به‌مناسبت روز جهانی معلولان مطرح شد

سهم محدود معلولان از بودجه

گروه اجتماعی

بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در دنیا به دلیل نقص سیستم مغزی، جسمی و حسی از معلولیت رنج می‌برند. برآورد می‌شود که در ایران حدود یازده میلیون نفر معلول هستند. از این میان، تعداد کمی موفق می‌شوند شغل مناسبی بیابند. براساس مشاهدات و بررسی‌های آماری ۹۰ درصد معلولان در ایران از اشتغال مناسب و امن مانند و علیرغم اینکه قانون حمایت از معلولان بیش از ۶ سال است با تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از معرفی و ابلاغ رئیس جمهور وقت، رسمیت یافته، اما در طول این مدت، جز در موارد محدود و معدودی، مواد این قانون اجرانشده و تاکنون پیگیری‌های کمپین معلولان و دیگر فعالان حوزه معلولیت برای تحقق این قانون و رفع موانع اجرای آن به نتیجه نرسیده است.

افراد دارای معلولیت همواره خواهان اجرای کامل ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان بوده‌اند. طبق این ماده، دولت موظف است به معلولان واجد شرایط کمک هزینه معیشت به میزان حداقل دستمزد سالانه (۷ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان) پرداخت کند. با این حال مبلغی که اکنون به آن‌ها پرداخت می‌شود تنها ۳۲۰ هزار تومان است و نیازهای معیشتی آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. در یک سال گذشته بارها بسیاری از مادران و خانواده‌های افراد دارای معلولیت با شرکت در تجمعات اعتراضی اجرای این ماده قانونی را خواستار شده‌اند اما مسئولان به این مطالبه پاسخ نداده و در لایحه بودجه ۱۴۰۴، اجرای ماده ۲۷ را پیش‌بینی نکرده‌اند. این در حالی است که افراد دارای معلولیت هرروز هرچه بیشتر از نیازهای اساسی‌شان صرف نظر می‌کنند. بسیاری از آن‌ها سال‌هاست کاردرمانی و فیزیوتراپی را کنار گذاشته‌اند و حتی لوازم بهداشتی یک بارمصرف را چندین بارمصرف یا دیرتر به دیرتر تعویض می‌کنند و این یعنی خود را در معرض خطرات و بیماری‌ها قرار می‌دهند. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آن‌ها که تمام بار مراقبت از آن‌ها را برعهده دارند این است که اگر پدران و مادران یا خواهران و برادرانشان از کار افتاده شوند و یا از دنیا بروند چه بر سر فرد دارای معلولیت خواهد آمد؟ هزینه‌های پرستاری بسیار بالا و حتی بیش از حقوق بازنشستگی یک فرد است و این برخورداری از خدمات مراقبتی در منزل برای اکثریت افراد غیرممکن می‌کند. والدین یک فرد اوتیستیک، یک فرد دارای معلولیت جسمی شدید یا یک فرد دارای معلولیت ذهنی به غیر از آنکه در طول حیات خود بدون پشتوانه و یاور از فرزندان خود مراقبت می‌کنند، باید نگران روزی باشند که از دنیا می‌روند و فرزندشان بی‌پناه می‌ماند. این شرایط نشان می‌دهد قانون حمایت از حقوق معلولان چندان کارآمد نبوده و نتوانسته در حمایت از این افراد نقش مؤثری ایفا کند.» سهیل معینی، مدیر عامل انجمن باور با چنین دیدگاهی موافق نیست و در گفت‌وگو با «رسالت» به دستاوردهای این قانون اشاره دارد و در ادامه، از مشکلات غیرقابل انکار افراد دارای معلولیت سخن می‌گوید.

***

به اعتقاد شما قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تا چه اندازه اثرگذار بوده، به این دلیل که برخی از توانخواهان بر این باورند که بسیاری از بندهای این قانون از جمله ماده ۲۷ اجرایی نمی‌شود و به این مسئله معترض‌اند.

این واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد که ما در شرایط فعلی مسئولان کمپین حمایت از افراد دارای معلولیت ممکن نیست. ما از قبل از تدوین قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، نسبت به برخی از مواد این قانون اعتراض داشتیم و حتی تا دو هفته اول انقلاب هم ادامه داشته. در این دو هفته اخیر یک سری محدودیت‌ها ایجاد کردند و گرنه در گذشته چنین محدودیتی نداشتیم. می‌گوییم یک نمونه بیاورید که کجای دنیا فرد دارای معلولیت را از تدریس منع می‌کنند؟ بله یک فرد نابینا نمی‌تواند در مدارس عادی تدریس کند چون نمی‌تواند با کلاس ارتباط برقرار کند. ما تعصب نداریم. طبیعی است که در این مورد اصراری نداریم. ما می‌گوییم فرد نابینا می‌تواند تدریس کند ولی قطعا انتظار نداریم فرد نابینا را به عنوان معلم ورزش بگذارید. طبیعی است چون باید حرکات بچه‌ها را ببیند. تعصبی نداریم. ولی چرا نمی‌تواند علوم انسانی درس بدهد؟ می‌تواند بهترین دبیر ادبیات، زبان، اجتماعی یا هر چیز دیگری باشد. یک فرد ویلچری می‌تواند بهترین دبیر زیست یا شیمی باشد. این‌ها محدودیتی ندارد. این است که ما باید از این سدهای فرهنگی بگذریم.

برخی شرکت‌ها نیز بهانه تراشی می‌کنند که مثلا ما می‌خواهیم مهندس را بفرستیم کارخانه و این فرد نمی‌تواند برود کارخانه. مگر کارخانه تو چطور است که این فرد نمی‌تواند برود؟ ما از یک سمت باید توانمندی افراد دارای معلولیت را توسعه دهیم که بتوانند کارهای مختلف انجام دهند. باید ببینیم چه تناسبی بین محدودیت فرد و مهارت‌هایی که یک شغل از فرد انتظار دارد وجود دارد. درنتیجه طبیعی است که مثلا اپراتوری تلفن زمانی شغل رایج نابینایان بود. الان این شغل دارد تهدید می‌شود. طبیعی هم هست و جلوی پیشرفت علم را نمی‌شود گرفت. ولی از طرف دیگر افق دیگری باز شده و کال سنترها توسعه پیدا کرده‌اند. کال سنترهایی که خدمات پشتیبانی می‌دهند و افراد دارای معلولیت خیلی راحت می‌توانند در آن کار کنند در حالی که در گذشته این مراکز وجود نداشتند. مثل همه آدم‌ها برای افراد دارای معلولیت هم یک سری مشاغل تهدید می‌شود و یک سری مشاغل به وجود می‌آید. مهم این است که موانع حقوقی افراد دارای معلولیت مرتفع شود.